



گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِي خَرَّاسَانِي

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ عترت و اهل بیت پیامبر خاتم
۲. اخلاق؛ ادعیه و زیارات
۳. احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پانزده گفتار از آن جناب درباره‌ی سوگواری برای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و احکام آن

۱. أَخْبَرَنَا وَلِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّجِسْتَانِيُّ، قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الْمَنْصُورِ الْهَاشِمِيِّ الْخُرَاسَانِيِّ أَسْأَلُهُ عَمَّا يَفْعَلُ النَّاسُ فِي الْحَدَادِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَكَتَبَ إِلَيَّ: لَا بَأْسَ بِذِكْرِ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَوَصْفِ أَعْمَالِهِمْ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ بِالْحَقِّ، وَيَحْرُمُ الْكُذْبُ فِيهِمْ وَالْإِفْتِرَاءُ عَلَيْهِمْ قَطْعًا، وَلَا بَأْسَ بِالْبُكَاءِ عَلَى مَصَائِبِهِمْ وَإِنْشَادِ الشُّعْرِ فِيهِمْ إِذَا كَانَ صِدْقًا، وَيُكْرَهُ ضَرْبُ الرَّؤُوسِ وَالْحُدُودِ وَالصُّدُورِ وَالظُّهُورِ كَمَا يَفْعَلُ الْعَامَّةُ، لِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ ضَرَبَ الْحُدُودَ وَشَقَّ الْجُبُوبَ وَدَعَا بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ»، وَقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ حَلَقَ وَسَلَقَ وَحَرَقَ»، وَإِنَّمَا الْمَرْغُوبُ فِيهِ الْبُكَاءُ وَلَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ شَيْءٌ مَشْرُوعٌ، لِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّهُ مَهْمَا كَانَ مِنَ الْعَيْنِ وَمِنَ الْقَلْبِ فَمِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنَ الرَّحْمَةِ، وَمَا كَانَ مِنَ الْيَدِ وَمِنَ اللِّسَانِ فَمِنَ الشَّيْطَانِ»، وَكَذَلِكَ الضَّرْبُ فِي الْأَرْضِ بِآلَاتِ اللُّهُومِ مَعَ الرَّايَاتِ وَالْأَعْلَامِ الْمُبْتَدَعَةِ، فَكُلُّ ذَلِكَ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ، وَلَا بَأْسَ بِالْاجْتِمَاعِ فِي الْمَسَاجِدِ وَالْبُيُوتِ لِمَدْحِهِمْ وَذِكْرِ مَصَائِبِهِمْ وَالْبُكَاءِ عَلَيْهِمْ وَتَعْزِيَةِ ذَوِي مَوَدَّتِهِمْ مَا لَمْ يَكُنْ مَعَهُ كِذْبٌ أَوْ فُحْشٌ أَوْ ضَرْبٌ أَوْ جَرْحٌ أَوْ تَبْذِيرٌ أَوْ تَأْخِيرُ صَلَاةٍ عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا، وَقَدْ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَى وَلَدِهِ إِبْرَاهِيمَ، وَذَكَرَ حَدِيثًا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَدَحَهَا وَبَكَى عَلَيْهَا، وَحَتَّى عَلَى الْبُكَاءِ عَلَى حَمْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَبَكَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمَدَحَتْهُ، وَكَانَ سَعْدُ بْنُ مُعَاذٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يُمَدِّحُ عِنْدَ قَبْرِهِ وَرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَسْمَعُ فَلَا يَنْهَى عَنْهُ، فَكُلُّ هَذَا سُنَّةٌ وَإِنَّمَا الْحَرَامُ الْبِدْعَةُ.

ترجمه‌ی گفتار:

ولید بن محمود سجستانی ما را خبر داد، گفت: برای جناب منصور هاشمی خراسانی نامه‌ای نوشتم و از او درباره‌ی کارهایی که مردم در سوگ اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام می‌دهند پرسیدم، پس برای من نوشت: یاد کردن از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و توصیف کارهای آنان و ستایش آنان به حق، اشکالی ندارد و دروغ گفتن درباره‌ی آنان و افترا زدن بر آنان قطعاً حرام است و گریستن بر مصائب آنان و سرودن شعر برای آنان هرگاه راست باشد اشکالی ندارد و زدن بر سرها و روی‌ها و سینه‌ها و پشت‌ها به نحوی که عامه می‌کنند کراهت دارد؛ به دلیل سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «از ما نیست کسی که بر روی‌ها می‌زند و گریبان‌ها می‌درد و به فراخوان جاهلیت فرا می‌خواند» و سخن آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «من از هر کسی که موی کند و شیون کند و جامه درد بیزارم» و تنها کاری که پسندیده است گریستن است و فراتر از آن کار مشروعی نیست؛ به دلیل سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «هر چیزی که از چشم و از دل برآید آن از خداوند بلندمرتبه و از رحمت است و هر چیزی که از دست و از زبان برآید آن از شیطان است» و چنین است راهپیمایی در زمین با آلات لهو و پرچم‌ها و علامت‌های ابداع شده؛ چراکه همه‌ی آن‌ها بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی به آتش راه می‌یابد و گرد آمدن در مسجدها و خانه‌ها برای مدح آنان و ذکر مصیبت‌هاشان و گریستن برایشان و تعزیت دوستدارانشان اشکالی ندارد هرگاه با آن دروغی یا ناسزایی یا ضربی یا جرحی یا اسراف یا تأخیری در نماز از اول وقتش نباشد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر فرزند خود ابراهیم گریست و خدیجه علیها السلام را یاد کرد و مدح فرمود و بر او گریست و به گریستن بر حمزه رضی الله عنه تشویق نمود و فاطمه علیها السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گریست و او را مدح کرد و سعد بن معاذ رضی الله عنه در نزد قبرش مدح می‌شد در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌شنید و از آن نهی نمی‌کرد، بنابراین همه‌ی این کارها سنت است و تنها بدعت حرام است.

۴. أَخْبَرَنَا وَلِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنِّي حَدَّثْتُ فَرِيْقًا مِنْ هَؤُلَاءِ الشَّيْعَةِ بِنَهْيِكَ عَنِ لَطْمِ الْوُجُوهِ وَشَقِّ الْجُيُوبِ فِي الْمَأْتَمِ لِأَهْلِ الْبَيْتِ، فَكَبَّرَ عَلَيْهِمْ وَاسْتَصْعَبُوهُ وَقَالُوا: إِنَّ زَيْنَبَ بِنْتَ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا لَطَمَتْ وَجْهَهَا وَشَقَّتْ جَيْبَهَا عَلَى قَتْلِ أَخِيهَا! قَالَ: كَذَبُوا عَلَى زَيْنَبَ بِنْتِ عَلِيٍّ! أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ أَخَاهَا أَوْصَى إِلَيْهَا لَيْلَةَ عَاشُورَاءَ وَأَقْسَمَ عَلَيْهَا بَأَنْ لَا تَلْطَمِي عَلِيَّ وَجْهًا وَلَا تُشَقِّي عَلِيَّ جَيْبًا إِذَا أَنَا هَلَكَتُ؟! أَفَحَسِبُوا أَنَّهَا عَصَتْ أَخَاهَا وَلَمْ تَعْمَلْ بِوَصِيَّتِهِ؟! لَا وَاللَّهِ، بَلْ أَطَاعَتْهُ، وَكَانَتْ صَالِحَةً تَقِيَّةً، ثُمَّ قَالَ: مَنْ كَانَ عَارِفًا بِحَقِّ الْحُسَيْنِ فَلَا يَلْطَمَنَّ عَلَيْهِ وَجْهًا وَلَا يَشَقَّنَّ عَلَيْهِ جَيْبًا، وَلْيَعْمَلْ بِوَصِيَّتِهِ كَمَا عَمِلَتْ زَيْنَبُ بِنْتُ عَلِيٍّ.

ترجمه‌ی گفتار:

ولید بن محمود ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: من گروهی از این شیعه را به نهی تو از زدن بر روی‌ها و دریدن گریبان‌ها در ماتم اهل بیت خبر دادم، پس بر آنان گران آمد و (قبول) آن را سخت شمردند و گفتند: زینب دختر علی رضی الله عنها در شهادت برادرش بر روی خود زد و گریبان‌ش را درید! فرمود: بر زینب دختر علی دروغ بستند! آیا ندانستند که برادر او در شب عاشورا به او وصیت کرد و او را قسم داد که هرگاه من از دنیا رفتم به خاطر من بر روی نزن و گریبان ندر؟! پس آیا پنداشتند که او برادرش را نافرمانی کرد و به وصیتش عمل نکرد؟! نه به خدا سوگند، بلکه او را اطاعت کرد و زنی صالح و پرهیزکار بود. سپس فرمود: هر کس با حق حسین آشناست پس به خاطر او بر روی نزند و گریبان ندرد و به وصیت او عمل کند همان طور که زینب دختر علی عمل کرد.

۳ . أَخْبَرَنَا عَيْسَى بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْجَوْزَجَانِيُّ، قَالَ: دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الشَّيْعَةِ وَسَأَلُوهُ عَنْ فِعَالِهِمْ فِي الشَّهْرَيْنِ مُحَرَّمٍ وَصَفَرٍ، فَقَالَ لَهُمْ: إِنَّكُمْ تُرِيدُونَ مِنِّي أَنْ أَرْقِصَ بِيَمِزْمَارِكُمْ، وَلَكِنِّي لَا أَقُولُ إِلَّا الْحَقَّ! فَادْكُرُوا سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَابْكُوا عَلَيْهِ، وَلَا تَضْرِبُوا عَلَيْهِ رَأْسًا وَلَا صَدْرًا وَلَا ظَهْرًا، فَإِنَّهُ وَاللَّهِ لَوْ كَانَ فِيكُمْ لَنَهَاكُمْ عَنْ ذَلِكَ كَمَا نَهَى أُخْتَهُ زَيْنَبُ! فَخَرَجَ الرَّجَالُ وَهُمْ غَضَبِي، فَقُلْتُ لَهُ: لَوْ تَرَكَتَهُمْ يَضْرِبُونَ رُؤُوسَهُمْ حَتَّى يَمُوتُوا! أَلَا تَرَى أَنَّهُمْ يَنْقِمُونَ مِنكَ؟! قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! فَأَيْنَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ!؟

ترجمه‌ی گفتار:

عیسی بن عبد الحمید جوزجانی ما را خبر داد، گفت: مردانی از شیعه به محضر آن جناب رسیدند و از او درباره‌ی کارهای خود در دو ماه محرم و صفر پرسیدند، پس به آنان فرمود: شما می‌خواهید که من با ساز شما برقصم، ولی من جز حق را نمی‌گویم! پس سرور جوانان اهل بهشت را یاد کنید و بر او بگریید و برای او بر سر و سینه و پشت نکوبید؛ چراکه او به خدا سوگند اگر در میان شما بود شما را از این کار نهی می‌کرد همان طور که خواهرش زینب را نهی کرد! پس آن مردان در حالی که خشمگین بودند بیرون رفتند، پس من به آن جناب گفتم: ای کاش آنان را وا می‌گذاشتی که بر سر خود بکوبند تا بمیرند! آیا نمی‌بینی که بر تو خرده می‌گیرند؟! فرمود: سبحان الله! پس نهی از منکر کجا می‌شود؟!؟

۴ . أَخْبَرَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ عَبْدِ الْقَيْوَمِ، قَالَ: دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الشَّيْعَةِ وَقَالَ لَهُ: أَنْتَ الَّذِي كَرِهْتَ لَطْمَ الْحُدُودِ وَضَرْبَ الرُّؤُوسِ - يَعْنِي فِي الْمَأْتَمِ لِلْحُسَيْنِ!؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنْ كَرِهَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ!

قَالَ الرَّجُلُ: أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ نِسَاءَ الْحُسَيْنِ لَمَّا قُتِلَ تِلْكَ الْقَتْلَةَ خَرَجْنَ لَا طِمَاتِ الْوُجُوهِ؟ قَالَ: كَانَ يَنْهَاهُنَّ عَنْ ذَلِكَ! قَالَ الرَّجُلُ: وَلَكِنَّهُنَّ فَعَلْنَ! قَالَ: إِذَا لَا نُطِيعُهُنَّ فِي عِصْيَانِهِنَّ! قَالَ الرَّجُلُ: كَانَتْ فِيهِنَّ زَيْنَبُ بِنْتُ عَلِيٍّ! قَالَ: وَمَا يُدْرِيكَ مَنْ كَانَتْ فِيهِنَّ يَا لُكْعُ؟ كَانَتْ وَاللَّهِ أَتَقَى لِلَّهِ مِنْ أَنْ تَعْصِيَ أَخَاهَا فَتَلْطِمَ حَدَّهَا أَمَامَ الرَّجَالِ! ثُمَّ قَالَ: مَا أَمْرُنَا بِطَاعَتِهَا، وَلَكِنْ أَمْرُنَا بِطَاعَةِ الْحُسَيْنِ!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد السلام بن عبد القیوم ما را خبر داد، گفت: مردی از شیعه به محضر آن جناب رسید و به او گفت: تو کسی هستی که از زدن بر روی‌ها و کوبیدن بر سرها -یعنی در سوگ حسین- کراهت داری؟! فرمود: نه، بلکه خداوند و پیامبرش از آن کراهت دارند! مرد گفت: آیا نمی‌دانی که زنان حسین هنگامی که او به آن صورت کشته شد بیرون دویدند در حالی که بر روی‌های خود می‌زدند؟! فرمود: آن حضرت آنان را از این کار نهی می‌کرد! مرد گفت: ولی آنان این کار را کردند! فرمود: در این صورت از آنان در نافرمانی‌شان اطاعت نمی‌کنیم! مرد گفت: در میان آنان زینب دختر علی بود! فرمود: تو چه می‌دانی که در میان آنان چه کسی بود ای نادان؟! به خدا سوگند او خداترس‌تر از آن بود که برادر خود را نافرمانی کند و در پیش روی مردان بر روی خود بزند! سپس فرمود: (به فرض که چنین باشد) ما به اطاعت از او امر نشده‌ایم، بلکه به اطاعت از حسین امر شده‌ایم!

۵ . أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْبَلْخِيِّ، قَالَ: مَرَّ الْمَنْصُورُ عَلَى جَمَاعَةٍ مِنَ الشَّيْعَةِ وَهُمْ يَضْرِبُونَ ظُهُورَهُمْ بِالسَّلَاسِلِ، فَقَالَ: مَنْ هَؤُلَاءِ؟! قُلْنَا: جَمَاعَةٌ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ مِنْ شَيْعَةِ الْحُسَيْنِ! قَالَ: كَذَبُوا! لَوْ كَانُوا مِنْ شَيْعَتِهِ لَاتَّبَعُوهُ! أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ كَانَ يَنْهَى عَنْ مِثْلِ هَذَا؟! قُلْنَا: إِنَّ لَهُمْ عُلَمَاءَ بِإِيرَانَ وَهُمْ يَأْمُرُونَهُمْ بِهَذَا! قَالَ: نَعَمْ، شَدِثَتْ أَعْرُفُهَا مِنْ أَحْزَمَ!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن محمد بلخی ما را خبر داد، گفت: منصور بر جماعتی از شیعه گذشت که با زنجیرها بر پشت‌های خود می‌زدند، پس فرمود: اینان کیستند؟! گفتیم: جماعتی هستند که می‌پندارند از شیعیان حسین‌اند! فرمود: دروغ می‌گویند! اگر از شیعیان او بودند از او پیروی می‌کردند! آیا نمی‌دانند که او از مانند این کار نهی می‌کرد؟! گفتیم: برای اینان عالمانی در ایران هستند که اینان را به این کار امر می‌کنند! فرمود: آری، خوی بدی است که از اخزم می‌شناسم!



شرح گفتار:

سخن آن جناب «خوی بدی است که از اخزم می شناسم»، ضرب المثلی در میان عرب است و «اخزم» نام مردی از بنی طیء بوده است و مراد از آن این است که با این رویکرد افراطی و عامیانه‌ی عالمان در ایران آشنایی دارم.

۶. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَرَوِيُّ، قَالَ: مَرَّ الْمَنْصُورُ عَلَى طَائِفَةٍ مِنَ الشَّيْعَةِ يَجْرَحُونَ أَنْفُسَهُمْ فِي الطَّرِيقِ، وَكَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ، فَقَالَ لِي: أَجَانِينُ هَؤُلَاءِ؟! فَسَمِعَ أَحَدُهُمْ قَوْلَهُ، فَقَالَ: نَعَمْ وَاللَّهِ، مَجَانِينُ الْحُسَيْنِ! فَقَالَ لَهُ: هَلَّا كُنْتُمْ عُقَلَاءَ؟! فَلَوْ كَانَ لَهُ عُقَلَاءٌ لَمْ يُقْتَلْ! ثُمَّ مَضَى وَتَرَكَ الرَّجُلَ كَأَنَّهُ مَضْعُوقٌ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، مَا أَرَدْتَ بِالْعُقَلَاءِ؟ قَالَ: رِجَالٌ يَصِفُونَ الْعَدْلَ، ثُمَّ لَا يُخَالِفُونَهُ إِلَى غَيْرِهِ.

ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن عبد الرحمن هروی ما را خبر داد، گفت: منصور بر گروهی از شیعه گذشت که خود را در راه (با تیغ یا قمه) زخمی می کردند و روز عاشورا بود، پس به من فرمود: آیا این‌ها دیوانه‌اند؟! پس یکی از آن‌ها سخنش را شنید و گفت: بله به خدا قسم، دیوانگان حسینیم! پس به او فرمود: نمی شد عقلای او باشید؟! زیرا اگر برای او عقلایی بود، کشته نمی شد! سپس رفت و آن مرد را وا گذاشت در حالی که انگار صاعقه به او خورده بود! پس به آن جناب گفتم: فدایت شوم، منظورت از عقلا چه بود؟ فرمود: کسانی که عدالت را اظهار می دارند و سپس بر خلاف آن عمل نمی کنند.

۷. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَلْخِيُّ، قَالَ: كُنَّا مَعَ الْمَنْصُورِ فِي طَرِيقٍ، فَمَرَّ عَلَيْنَا رِجَالٌ مِنَ الشَّيْعَةِ وَهُمْ يَضْرِبُونَ صُدُورَهُمْ وَأَذْبَارَهُمْ وَيَقُولُونَ: لَبَيْكَ يَا حُسَيْنُ! لَبَيْكَ يَا حُسَيْنُ! فَأَقْبَلَ عَلَيْنَا وَقَالَ: أَلَا إِنَّ الْحُسَيْنَ لَبْرِيءٌ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأَ مِنْهُمْ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ! قُلْنَا: وَهَلْ تَبَرَّأَ مِنْهُمْ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ؟ قَالَ: نَعَمْ، بَلَعَهُ أَنَّ رِجَالًا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يَقُولُونَ: لَبَيْكَ يَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ لَبَيْكَ! فَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ وَقَالَ: مَا كَانَتْ تَلْبِيئَةُ الْأَنْبِيَاءِ هَكَذَا! إِنَّمَا لَبِيَّتُ بَلْبِيئِكَ اللَّهُمَّ لَبِيئِكَ، لَبِيئِكَ لَا شَرِيكَ لَكَ! ثُمَّ قَالَ الْمَنْصُورُ: أَمَا وَاللَّهِ لَوْ لَا هَؤُلَاءِ السَّفَلَةُ لَدَخَلَ النَّاسُ فِي هَذَا الْأَمْرِ أَفْوَاجًا، وَلَكِنَّهُمْ بَدَلُوهُ وَقَبَّحُوهُ وَبَعْضُوهُ!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن محمد بلخی ما را خبر داد، گفت: به همراه منصور در راهی بودیم، پس مردانی از شیعه بر ما گذشتند که بر سینه‌ها و پشت‌های خود می زدند و می گفتند: لبیک یا حسین! لبیک یا حسین! پس به ما روی کرد و فرمود: بدانید که حسین از اینان بری است، همان طور که جعفر بن محمد از آنان برائت جست! گفتیم: آیا جعفر بن محمد از آنان برائت جست؟! فرمود: آری،



به اورسید که مردانی از اهل کوفه می گویند: لبیک یا جعفر بن محمد لبیک! پس از آنان براءت جست و فرمود: لبیک گفتن پیامبران این گونه نبود! آنان می گفتند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ!» سپس منصور فرمود: بدانید که به خدا سوگند اگر این فرومایگان نبودند، مردم دسته دسته در این امر^۱ داخل می شدند، ولی اینان آن را دگرگون کردند و زشت نمودند و منفور ساختند!

۸. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الشَّيرَازِيُّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنَّا نَجْتَمِعُ فِي الْبُيُوتِ فَنَذْكُرُ مَا أَصَابَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ بِكَرْبَلَاءَ، قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ، قُلْتُ: وَنُنْشِدُ فِيهِ شِعْرًا، قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ، قُلْتُ: وَتَبَّكَ عَلَيْهِ، قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ، قُلْتُ: وَنَلْعَنُ قَاتِلَهُ، قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ، قُلْتُ: وَتَضْرِبُ صُدُورَنَا وَرُؤُوسَنَا، قَالَ: أَمَّا هَذَا فَلَا؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَنْهَى عَنْهُ، ثُمَّ قَالَ: أَمَّا تَرْضَوْنَ أَنْ تَفْعَلُوا مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَتَتْرَكُوا مَا نُهَيْتُمْ عَنْهُ فَتُتَلَفُوا الْحُسَيْنَ فِي الْجَنَّةِ؟!

ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن ابراهیم شیرازی ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: ما در خانه‌ها جمع می شویم و آنچه در کربلا به حسین بن علی رسید را یاد می کنیم. فرمود: اشکالی ندارد. گفتم: و درباره‌ی آن حضرت شعر می سراییم. فرمود: اشکالی ندارد. گفتم: و بر آن حضرت گریه می کنیم. فرمود: اشکالی ندارد. گفتم: و قاتلش را لعنت می کنیم. فرمود: اشکالی ندارد. گفتم: و بر سینه‌ها و سرهامان می زنیم. فرمود: اما این نه؛ چراکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آن نهی می کرد. سپس فرمود: آیا دوست ندارید که هر چه به آن امر شدید را انجام دهید و هر چه از آن نهی شدید را ترک نمایید، پس با حسین در بهشت ملاقات کنید؟!

۹. أَخْبَرَنَا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْخُتْلَانِيُّ، قَالَ: دَخَلَ الْمَنْصُورُ عَلَى أَصْحَابِهِ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَهُمْ يَتَذَاكُرُونَ، فَقَالَ لَهُمْ: رَجِمَ اللَّهُ امْرَأَةً مِنْكُمْ ذَكَرَ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي هَذَا الْيَوْمِ فَبَكَى عَلَيْهِ! أَلَا وَاللَّهِ قَتَلُوهُ وَهُوَ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ وَهُمْ يَدْعُونَهُ إِلَى النَّارِ! قَالَ: فَاجْتَمَعْنَا عِنْدَهُ وَذَكَرْنَا الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ وَبَكَيْنَا عَلَيْهِ، وَكَأَنِّي بِدُمُوعِ الْمَنْصُورِ تَجْرِي عَلَى خَدَّيْهِ وَلَا يُسْمَعُ مِنْهُ أُنِينٌ وَلَا عَوِيلٌ!

ترجمه‌ی گفتار:

یونس بن عبد الله ختلانی ما را خبر داد، گفت: منصور در روز عاشورا بر اصحاب خود وارد شد در حالی که آنان با هم گفتگو می کردند، پس به آنان فرمود: خداوند رحمت کند کسی از شما را که پسر دختر پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم را در این روز یاد کند، پس بر او بگرید!

۱. منظور تشیع اهل بیت است.



آگاه باشید که به خدا سوگند او را کشتند در حالی که او آنان را به سوی بهشت دعوت می کرد و آنان او را به سوی آتش دعوت می کردند! (یونس) گفت: پس نزد آن جناب گرد آمدیم و حسین بن علی را یاد کردیم و بر او گریستیم و گویا من اشک های منصور را می دیدم که بر گونه های او جاری بود بی آنکه از او شیون یا فغانی شنیده شود!

۱۰. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَبِيبِ الطَّبْرِيِّ، قَالَ: دَخَلَ الْمَنْصُورُ بَيْتًا فِيهِ جَمَاعَةٌ مِنَ الشَّيْعَةِ يَذْكُرُونَ مَصَائِبَ حُسَيْنٍ وَيَبْكُونَ عَلَيْهِ، فَجَلَسَ فِيهِمْ حَتَّى قَالَ قَائِلُهُمْ: أَنَا كَلْبٌ حُسَيْنٍ! فَلَمَّا قَالَ ذَلِكَ قَامَ الْمَنْصُورُ وَخَرَجَ وَهُوَ يَقُولُ: وَاللَّهِ مَا جَاءَهُمْ حُسَيْنٌ لِيَكُونُوا كِلَابًا! أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا يَدْخُلُونَ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ؟! ثُمَّ ذَهَبَ حَتَّى دَخَلَ بَيْتًا آخَرَ فِيهِ جَمَاعَةٌ مِنَ الشَّيْعَةِ يَذْكُرُونَ مَصَائِبَ حُسَيْنٍ وَيَبْكُونَ عَلَيْهِ، فَجَلَسَ فِيهِمْ حَتَّى وَضَعُوا ثِيَابَهُمْ وَصَرَبُوا صُدُورَهُمْ فِي صَفٍّ وَاحِدٍ، فَلَمَّا فَعَلُوا ذَلِكَ قَامَ الْمَنْصُورُ وَخَرَجَ وَهُوَ يَقُولُ: نُرَافِقُكُمْ فِي السُّنَّةِ وَنُفَارِقُكُمْ فِي الْبِدْعَةِ!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن حبيب طبری ما را خبر داد، گفت: منصور به خانه‌ای درآمد که در آن گروهی از شیعه مصائب حسین را یاد می کردند و بر آن حضرت می گریستند، پس در میان آنان نشست تا آن گاه که گوینده‌ی شان گفت: من سگ حسین هستم! پس چون این سخن را گفت منصور برخاست و بیرون رفت در حالی که می فرمود: به خدا سوگند حسین به نزد آنان نیامد تا سگ باشند! آیا ندانستند که فرشتگان به خانه‌ای که در آن سگی باشد داخل نمی شوند؟! سپس رفت تا اینکه به خانه‌ای دیگر درآمد که در آن گروهی از شیعه مصائب حسین را یاد می کردند و بر آن حضرت می گریستند، پس در میان آنان نشست تا آن گاه که جامه‌های خود را درآوردند و در صفی واحد بر سینه‌های خود کوبیدند، پس چون این کار را کردند منصور برخاست و بیرون رفت در حالی که می فرمود: با شما در سنت همراهی می کنیم و از شما در بدعت جدا می شویم!

۱۱. أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ بَخْتِيَارٍ، قَالَ: سَمِعَ الْمَنْصُورَ أَنَّ رَجُلًا أَعْرَسَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ، فَقَالَ: أَفَّ أَفَّ! أَلَا يَعْلَمُ أَنَّ هَذَا يَوْمٌ غَضِبَ اللَّهُ فِيهِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ؟! أَمَا وَاللَّهِ لَوْ قُتِلَ فِي هَذَا الْيَوْمِ ابْنُهُ مَا أَعْرَسَ فِيهِ، وَلَكِنْ قُتِلَ فِيهِ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ! ثُمَّ قَالَ: اجْعَلُوهُ يَوْمَ حُزْنِكُمْ، فَإِنَّ قَوْمًا مِنْ قَبْلِكُمْ جَعَلُوهُ يَوْمَ فُرْحَتِهِمْ فَسَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ - يَعْنِي بَنِي أُمِّيَّةَ!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الحمید بن بختیار ما را خبر داد، گفت: منصور شنید که مردی در روز عاشورا عروسی گرفته است، پس فرمود: اف اف! آیا نمی داند این روزی است که خداوند در آن بر اهل زمین غضب کرد؟!!

هان به خدا سوگند اگر در این روز پسرش کشته شده بود در آن عروسی نمی گرفت، ولی در این روز پسر رسول خدا کشته شده است! سپس فرمود: آن را روز اندوه خود فرار دهید؛ چراکه گروهی پیش از شما -یعنی بنی امیه- آن را روز شادی خود قرار دادند، پس خداوند بر آنان خشم گرفت!

۱۲ . أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الدَّامَغَانِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ صِيَامِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ، فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ، ثُمَّ قَالَ: لَا تَصُمْهُ إِلَّا أَنْ تَصُومَ قَبْلَهُ أَوْ بَعْدَهُ، وَلَا تَصُمْهُ مُتَمَيِّمًا بِهِ، فَإِنَّمَا تَيَمَّنَ بِهِ الْيَهُودُ وَالَّذِينَ ظَلَمُوا، وَلَا بَأْسَ بِالتَّكَاجِ فِيهِ إِذَا صَادَفَهُ، وَإِنَّمَا يُكْرَهُ لِمَكَانِ الدَّفِّ.

ترجمه‌ی گفتار:

علی بن اسماعیل دامغانی ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی روزه‌ی روز عاشوراء پرسیدم، پس فرمود: اشکالی ندارد، سپس فرمود: آن را روزه نگیر مگر اینکه پیش یا پس از آن را روزه بگیری و آن را از روی تیمن به آن روزه نگیر؛ چراکه تنها یهودیان و کسانی که ستم کردند به آن تیمن به جستند و ازدواج در آن هرگاه با آن مصادف شود اشکالی ندارد و تنها به خاطر دف (یعنی جشن و شادمانی) کراهت دارد.

۱۳ . أَخْبَرَنَا هَاشِمُ بْنُ عُبَيْدِ الْحُجَنْدِيِّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْعَالِمَ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَذَكَّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ﴾، فَقَالَ: يَوْمٌ بَعَثَ اللَّهُ فِيهِ نَبِيَّهُ مِنْهَا، وَيَوْمٌ هَاجَرَ فِيهِ إِلَى الْمَدِينَةِ مِنْهَا، وَيَوْمٌ بَدَرَ مِنْهَا، وَيَوْمٌ الْأَحْزَابِ مِنْهَا، وَيَوْمٌ فَتَحَ مَكَّةَ مِنْهَا، وَذَكَرَ أَيَّامًا أُخْرَى، ثُمَّ قَالَ: وَيَوْمٌ عَاشُورَاءَ مِنْهَا، وَفِيهِ قُتِلَ الرَّكْبِيُّ التَّقِيُّ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ! قُلْتُ: مَا بَالُهُ خَرَجَ وَقَدْ نَهَاهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ؟! قَالَ: إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ نَهَاهُ عَنِ الْمَعْرُوفِ!

ترجمه‌ی گفتار:

هاشم بن عبید خجندی ما را خبر داد، گفت: از عالم درباره‌ی سخن خداوند بلندمرتبه پرسیدم که می فرماید: «روزهای خدا را به یادشان بیاور»، پس فرمود: روزی که خداوند در آن پیامبرش را برانگیخت از آن (روزها) است و روزی که آن حضرت به مدینه هجرت کرد از آن (روزها) است و روز بدر از آن (روزها) است و روز احزاب از آن (روزها) است و روز فتح مکه از آن (روزها) است و روزهای دیگری را نیز ذکر کرد و سپس فرمود: و روز عاشورا از آن (روزها) است و در آن پاکیزه‌ی پرهیزکار حسین بن علی بر کناره‌ی رود فرات کشته شد! گفتم: آن حضرت را چه شد که خروج کرد، در حالی که عبد الله بن عمر او را نهی نمود؟! فرمود: عبد الله بن عمر او را از معروف نهی نمود!

۱۴. أَخْبَرَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّبْزَوَارِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: لَا تَزْنُوا، فَوَاللَّهِ مَا قَتَلَ التَّيِّبِينَ إِلَّا أَوْلَادُ زَنَا، وَمَا قَتَلَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ إِلَّا وَلَدُ زَنَا! ثُمَّ هَمَسَ بِجَدِيثِهِ فَقَالَ: مَا لَقِيَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مِنَ الْكَلْبِ الْأَبْقَعِ!

ترجمه‌ی گفتار:

صالح بن محمد سبزواری ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: زنا نکنید؛ چرا که به خدا سوگند پیامبران را نکشتند مگر فرزندان زنا و حسین بن علی را نکشت مگر فرزند زنا! سپس سخن خود را آهسته کرد و فرمود: ابو عبد الله چه‌ها دید از سگ سیاه و سپید!

۱۵. أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْقَاسِمِ الطَّهْرَانِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ فَقَالَ: زُرَّهُ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِ، وَسَلِّ اللَّهُ حَاجَتَكَ، قُلْتُ: كَيْفَ أَسَلِّمْ عَلَيْهِ عِنْدَ قَبْرِهِ؟ قَالَ: قُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَمَرَ بِهِ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَّغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ! قُلْتُ: فَأَطُوفُ بِقَبْرِهِ؟ قَالَ: لَا، وَلَا تُصَلِّ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَكِنَّ تَتَحَّ نَاحِيَةً وَصَلِّ فِي بَعْضِ الرُّوَاقَاتِ.

ترجمه‌ی گفتار:

حسن بن قاسم طهرانی ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی زیارت قبر حسین پرسیدم، پس فرمود: آن را زیارت کن و بر آن حضرت سلام بده و حاجتت را از خداوند بخواه. گفتم: چگونه بر آن حضرت در نزد قبرش سلام دهم؟ فرمود: بگو: سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، گواهی می‌دهم که تو نماز را بر پا داشتی و زکات را پرداختی و به معروف امر کردی و از منکر باز داشتی و در راه خدا چنانکه شایسته بود جهاد کردی تا آن گاه که مرگ به تو رسید، پس خداوند لعنت کند کسی را که تو را کشت و خداوند لعنت کند کسی را که به آن امر کرد و خداوند لعنت کند کسی را که از آن آگاهی یافت و به آن راضی شد، من به سوی خداوند از آنان بیزارم! گفتم: آیا قبر او را طواف کنم؟ فرمود: نه و در پیش روی آن نماز نگزار، بلکه به کناری برو و در برخی رواق‌ها نماز بگذار.

شرح گفتار:

بی‌گمان کسانی که از عقل سلیم برخوردار و از موانع شناخت برکنارند می‌دانند که این آموزه‌های منصور هاشمی خراسانی، همگی آموزه‌های پاک و اصیل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و هر کس به آن‌ها عمل کند، پیرو راستین اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم



شمرده می شود که از افراطها و تفریطها رهایی یافته و به اعتدال دینی و صراط مستقیم اسلام رهنمون شده است. آشکار است که منصور هاشمی خراسانی در هیچ یک از عقاید و اعمال خود، از خطّ پیامبر و اهل بیت او خارج نشده و فارغ از فتنهها و آشوبهای جهان، در حال تبیین این خطّ مبارک و مبارزه با بدعتها و انحرافات است.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی حضرت الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.